

حوزه و برنامه ریزی درسی

فعال و متقابل یاد دهی - یادگیری با حضور دو قطب سیال مدرس و یادگیرنده انجام می شوند. چنین برنامه ای، پیش بینی مواد و وسائل آموزشی، محتواهای درسی، روشهای تدریس، روشهای ارزشیابی را در بر می گیرد. حال با این گستردگی در مفهوم برنامه درسی، برنامه ریزی درسی را می توان چنین بیان داشت:

«طراحی یا برنامه ریزی کلیه فعالیتها و تجربه های یادگیری تحت نظارت و راهنمایی نظام آموزشی به منظور رشد، کمال و شایستگی فردی و اجتماعی یادگیرنده و نهایتاً رسیدن به هدفهای نظام آموزشی.»^۱

با توجه به این که در این تعریف مفاهیمی وجود دارد که هر یک معنای خاصی را در بر می گیرند؛ لذا لازم است برخی از آنها مورد بررسی قرار گیرند. بنابر نظر یکی از صاحب نظران، برنامه ریزی درسی، «تجربه یادگیری» عمل متقابل میان یادگیرنده و شرایط خارجی موجود در محیط است. شرایط محیطی ممکن است در کلاس درس هنگام مباحثه با استاد یا همدرس، هنگام تحقیق و پژوهش در یک موضوع علمی و یا هر موقعیت دیگر در نظام آموزشی فراهم شده باشند و یادگیرنده از همه این موقعیتها تجربه آموزشی کسب کند که در راستای برنامه های درسی پیش بینی شده باشند.

منظور از «نظارت نظام آموزشی یا نظارت مدرسه» این است که باید این تجربه ها و فعالیتها، کنترل شده و براساس هدفهای خاصی تنظیم و سازماندهی شده باشند. همچنین این نظارت در قالب محتواها درسی اصلی و جنبی صورت می گیرند.

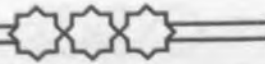
مفاهیم «رشد و کمال و شایستگی فردی و اجتماعی» به هدفهای کلی و جزئی نظامهای آموزشی اشاره دارند. معمولاً بنابر مبانی

استاد فنیلی

نگارنده این نوشتار برآن است، اصطلاحات برنامه درسی و برنامه ریزی درسی و همچنین مراحل آن را در تعلیم و تربیت و نظامهای آموزشی بویژه نظام آموزشی حوزه های علمیه مورد بررسی قرار دهد.

واژه برنامه ریزی درسی که امروزه به عنوان یک حیطه مطالعاتی تخصصی در عالی ترین سطح مطرح است، به جهت های گوناگونی به کار برده شده است. همچنین برنامه درسی که در حقیقت ثمره برنامه ریزی درسی است.

اصطلاح برنامه درسی از دیدگاههای مختلف به معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله برنامه یک موضوع درسی معین در یک مقطع تحصیلی یا به عنوان برنامه موضوعهای مختلف درسی در طول یک دوره تحصیلی و یا فهرستی از هدفهای آموزشی و مطالبی که باید در یک مرکز آموزشی تدریس شوند. اما با گسترش حوزه مطالعاتی مربوط به نظامهای آموزشی، امروزه مفهوم برنامه درسی بسیار گسترش یافته به طوریکه منظور از برنامه درسی کلیه فعالیتهایی است که در یک جریان



سازماندهی محتوای دروس و تعیین روش اجرای محتوا
- ارزشیابی از برنامه درسی و میزان یادگیری یادگیرندگان.

اکنون هر یک از مفاهیم یاد شده، همچنین مراحل برنامه ریزی درسی، در ارتباط با نظام آموزشی حوزه مورد بررسی قرار می گیرند.

مفهوم برنامه ریزی درسی حوزه بر اساس تعریف، طراحی کلیه فعالیتها و تجارب یادگیری است در قالب محتوای درسی با نظارت نظام آموزشی حوزه به طور عام و نظارت های مدرسه ای به طور خاص. نظارت مدرسه ای، هدایت فعالیت های آموزشی حوزویان در راستای هدف های درسی پیش بینی شده است و با نظارت به معنای برنامه ریزی دقیق و منطقی مبتنی بر تحقیقات و پژوهش های انجام شده مربوط به نیازهای علمی، اخلاقی و اعتقادی حوزویان است.

در مورد مراحل برنامه ریزی که ذکر آن گذشت، اولین قدم، تشخیص نیازها و بدنیال آن تدوین هدفها می باشد. برای تنظیم هدف های آموزشی و درسی بر اساس یکی از الگوهای تدوین هدف های تربیتی در یک نظام آموزشی، سه ملاک باید مورد توجه باشند. ۲

الف: نیاز یادگیرندگان یعنی حوزویان به عنوان ورودی های نظام آموزشی حوزه که پس از پایان تحصیلات باید به عنوان متخصص در زمینه های مختلف علوم و معارف اسلامی وارد جامعه شوند. این نیازها را می توان به سه جنبه شناختی، عاطفی، جسمانی از جهتی و نیازهای اعتقادی، اخلاقی از جهت دیگر تقسیم نمود.

این چند زمینه در حقیقت ابعاد وجودی شخصیت یادگیرندگان می باشند که چنانچه نظام آموزشی حوزه همه جانبه برخورد کند باید به این جنبه های گوناگونی در برنامه ریزی های آموزشی و درسی توجه داشته باشد.

اعتقادی و فلسفه تربیتی جوامع مختلف، تلقی برنامه ریزان آموزشی و درسی از کمال و شایستگی افراد آن جامعه متفاوت است؛ در مجموع این هدف را دنبال می کنند: افرادی که وارد نظام آموزشی می شوند به حداکثر ظرفیتشان برسند و بیشتر میزان موفقیت نظام آموزشی با این ملاک سنجیده می شود که ورودی های آن هنگام خروج از نظام و ورود به جامعه تا چه حد به صلاحیتها و مهارت های لازم فردی و اجتماعی رسیده اند.

با تعاریف و توضیحات مختصری که از دو مفهوم برنامه درسی و برنامه ریزی درسی ارائه گردید، می توان مراحل برنامه ریزی درسی را در قالب چند سوال اساسی مطرح نمود که در حقیقت پاسخ هر یک از این سوالها به یک مرحله اشاره دارند.

۱. چه نیازهای آموزشی و درسی در ارتباط با یادگیرنده و نظام اجتماعی وجود دارند؟

۲. برای پاسخ گویی به این نیازهای آموزشی، چه هدف هایی را باید در نظر گرفت؟

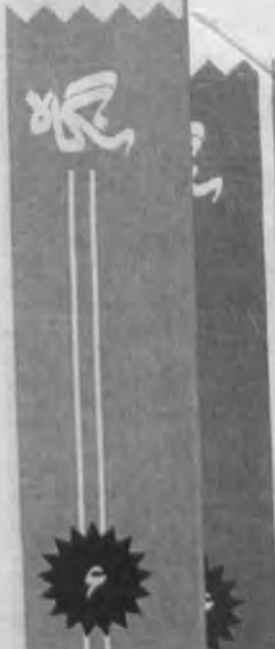
۳. برای تحقق این هدفها چه نوع محتوای درسی، تجارب یادگیری و وسائل آموزشی و کمک آموزشی مورد نیاز هستند؟

۴. چگونه و با چه روش هایی می توان این محتواها، فعالیتها و تجارب یادگیری را تنظیم و سازماندهی و در پایان، به اجرا گذارد؟

۵. چگونه و با چه طرحها و روش هایی می توان میزان رسیدن به هدف های آموزشی و درسی و یادگیری دانش پژوهان را ارزیابی کرد؟ با توجه به پاسخ این سوالها می توان مراحل برنامه ریزی درسی را چنین بیان کرد:

- تشخیص نیازهای آموزشی و درسی
- تعیین هدف های آموزشی و درسی بر اساس نیازهای فوق

- تعیین کیفیت برقراری ارتباط بین دروس مختلف و رعایت تقدم و تاخر آنها یعنی



طرح یا نقشه فعالیتهای حوزویان در این نظام می باشد.

منظور از محتوا، مجموعه اطلاعات، مهارتها، اصول، قواعد و به طور کلی دانش سازمان یافته در یک زمینه علمی است. این مجموعه، دستورالعمل اجرایی فعالیتهای یادگیری برای تیل به هدفهای درسی هستند. نکته قابل ذکر اینکه نمی توان انتظار داشت در هر موقعیتی و با هر محتوایی بتوان به هدفها رسید. لازم است برنامه ریزان آموزشی و درس حوزه ها که دست اندرکار تنظیم برنامه های درس مدارس هستند، همچنین طلاب بویژه طلاب جوانی که سالهای اولیه تحصیلی حوزوی را سپری می کنند به مواردی که در حقیقت اصول تهیه و تنظیم و سازماندهی محتوا و تجارب و فعالیتهای یادگیری هستند توجه داشته باشند. بعضی از این اصول عبارتند از:

۱. محتوای برنامه درسی باید متناسب با نیازها و تواناییهای حوزویان تهیه شده باشند. منظور از این اصل آمادگی یادگیرندگان از جهات گوناگون می باشد که یکی از آنها، آمادگی شناختی یا علمی است. یعنی باید ارتباط بین مطالب جدید و اطلاعات قبلی وجود داشته باشد. همچنین علاقه ها و گرایشهای حوزویان در ارائه محتواها در نظر گرفته شوند.
۲. محتوای برنامه درس باید متناسب با حجم زمانی باشد که برای اجرای آن در نظر گرفته می شود. مثلاً اگر برای یک محتوا، یک سال تحصیلی وقت لازم است، در نظر گرفتن زمانی کمتر از این مقدار موجب بریدگی مطالب و ناقص ماندن آنها خواهد بود. در اینجا تذکر این نکته به ویژه برای طلاب جوان ضروری است که تعجیل غیر منطقی در گذراندن دروس و ناتمام گذاشتن آنها موجب انفصال هدفهای پیش بینی شده درسی و آموزشی از یکدیگر

ب: نیاز جامعه، لازمه توجه به این عامل در تدوین هدفهای آموزشی و درسی، مطالعه جدی و دقیق از موقعیت جامعه و نیازهای فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اخلاقی آن است که حوزه ها باید پاسخ گو باشند. در این مورد مقام معظم رهبری با شناختی کامل از شرایط و نیازهای اجتماعی و رسالت حوزه در رفع این نیازها چنین بیان می دارند:

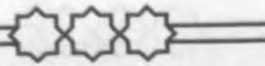
«امروزه خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف اینها را معلوم کند ولی معلوم نکرده. فقه توانایی دارد، لیکن روال کارطوری بوده که فاضل محقق کارآمد به این قضیه نپرداخته است.»^{۳۴}

چنین نگرشی به ارتباط بین حوزه و جامعه، توجه جدی به نیازهای اجتماعی در تدوین هدفهای آموزشی و درسی حوزه ها را ضروری می نماید.

ج: نظر صاحب نظران و مجموعه علوم حوزوی، عامل سومی که باید هنگام تنظیم هدفهای آموزشی و درسی حوزه های علمیه به آن توجه شود. میراثهای علمی و فرهنگی به جای مانده از گذشتگان به عنوان مجموعه علوم حوزوی همچنین نظر متخصصین و صاحب نظران در هر یک از این علوم است. نگرشهای جدید نسبت به شاخه های علمی در حوزه های علمیه که با توجه به ضرورتهای زمان و موقعیت خاص جهانی بویژه جهان اسلام به وجود آمده است، در نوع هدفهای آموزشی و درسی حوزه ها تأثیر می گذارند.

تقارن و تلفیق سه مقوله یاد شده در تعیین هدفهای آموزشی و درسی در نظام آموزشی حوزه موجب جامعیت و واقع بینانه بودن هدفها خواهد شد.

مرحله دوم در برنامه ریزی درسی، تعیین محتواهای درسی و فعالیتهای یادگیری در مدارس می باشد. محتواهای درسی در حقیقت



و نهایتاً سبب یادگیری سطحی و غیر تخصصی خواهد شد.

۳. محتوای برنامه درسی باید زمینه چند نوع فعالیت آموزشی را فراهم سازد. به این معنا که در محتوای درسی پیش بینی مطالعه انفرادی، بحث گروهی، مشاهدات علمی، پژوهشها و تحقیقات کتابخانه‌ای شده باشد. عدم توجه به این اصل موجب یادگیری سطحی و غیر کاربردی بودن محتوا خواهد شد.

۴. محتوای درسی باید از نظریات و یافته‌های جدید در هر یک از زمینه‌های علمی مربوطه تشکیل شده باشند. عدم توجه به این اصل موجب بی‌اطلاعی حوزویان از یافته‌های علمی مربوط به علوم اسلامی و انسانی و بعضاً علوم تجربی مربوط به زمینه‌های حوزوی می‌شود.

۵. محتوای درسی باید ارتباط طولی و عرضی یا عمودی و افقی یا یکدیگر داشته باشند. رعایت ارتباط طولی موجب حفظ استمرار مطالب مربوط به یک ماده درسی شده که باید در طی سالهای متوالی برقرار گردد مثلاً ارتباط و بهم پیوستگی محتوای درس ادبیات در طی چند سال تحصیلی و رعایت ارتباط عرضی یا افقی، یعنی بین چند ماده درسی در یک سال تحصیلی ارتباط وجود داشته باشد. یعنی از اجرای مواد درسی پراکنده و گاه نامربوط اجتناب شود، زیرا این امر موجب پراکندگی ساختار ذهنی حوزویان و نهایتاً عدم تخصص خواهد شد.

مرحله سوم که در حقیقت پیش‌بینی روشهای اجرای برنامه درسی می‌باشد به روشهای تدریس اشاره دارد که بسته به نوع ماده درسی و امکانات موجود همچنین سطح علمی و سنی مخاطبین روش تدریس تفاوت می‌کند.

در مرحله پایانی برنامه‌ریزی درسی به پیش‌بینی کیفیت و چگونگی ارزشیابی پرداخته

می‌شود در این مرحله باید به تهیه طرح اجرایی ارزشیابی از مراحل مختلف برنامه و میزان یادگیری طلاب پرداخته شود. هدف از ارزشیابی در مورد اخیر تعیین میزان تحقق هدفهای درسی توسط حوزویان است. می‌توان گفت: اهمیت مرحله ارزشیابی نسبت به مراحل قبل از جهاتی بیشتر است زیرا به وسیله ارزشیابی از مراحل یک برنامه یعنی ارزشیابی هدفها، که آیا جامع، منطقی، قبل وصول، واقع بینانه تدوین شده‌اند؟ موقعیت هدفها مشخص می‌گردند. به همین ترتیب ارزشیابی از محتوا که آیا با توجه به اصول یاد شده تهیه شده‌اند؟ توجه به این موارد ارزشیابی مرحله‌ای در طول سال تحصیلی و نهایتاً در پایان سال یا مقطع تحصیلی موجب تلاش بیشتر طلاب و در نهایت آگاه شدن آنان از وضعیت تحصیلی خود شده و بدین وسیله میزان افت یا پیشرفت تحصیلی در حوزه برای تصمیم گیرندگان مشخص می‌گردد. لذا نباید این مورد ارزشیابی را کم اهمیت تلقی نمود.

یادآوری: در این نوشتار، مختصری از مباحث مربوط به برنامه‌ریزی درسی مورد بررسی قرار گرفتند. طرح مطالب مفصل مربوط به این حیطه مطالعاتی نیاز به مقالات دیگری دارد که به آن پرداخته شود. پانوشته‌ها:

۱. قورچیان نادرقلی، «روند تحولات رشته برنامه‌درسی به عنوان یک حوزه تخصصی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ۱۳۷۳ ص ۱۴
۲. شریعتمداری، علی، جامعه و تعلیم و تربیت، ۱۳۷۰ ص ۱۸۱.
۳. نگاه حوزه شماره ۱۴ ص ۲.

نگاه

